

دکتر محمد حمیدالله

پارسی کرده‌ی: محمد حسین ساکت

سیر ترجمه قرآن در آلمان *

بهره‌ی مردم آلمان در خدمت به علوم و گسترش و دگرگونی آن دانسته و شناخته است. اینان نه تنها در خدمت به قرآن کریم کوتاه نیامدند؛ که از دیگر غریبان، در روزگاران اخیر، برتری هم گرفته‌اند. در اینجا پاره‌ای از ویژگی و برتری‌های آنان را، در پرداختن بدین موضوع، یاد آور خواهیم شد.

چاپ: گویند نخستین چاپ قرآن به کوشش «باکانینی» در شهر «ونیز» سال ۱۵۳۰، چهره بست؛ ولی پاپ اسکندر (الکساندر) هفتم خشمگین شد و دستور بسوزاندن همه‌ی نسخه‌ها داد.

بهر حال پیشین‌ترین چاپی که بدست ما رسیده است همانست که به کوشش «ابراهام هنکلمان» در شهر «هامبورگ» (در شمال آلمان، بسال ۱۶۹۴، بچاپ رسیده است)

شماره‌گذاری آیه‌ها:

نیاز مراجعه به قرآن، هر روز افزون می‌شود، کتاب‌هایی دربارهی بیرون آوردن آیات، از روزگاران پیش، در کشورهای اسلامی یافت می‌شود؛ ولی این نویسندگان طبعاً برای نمونه به «جزء» «حزب» اشاره کرده‌اند و

❁ مجله «فکر و فن» العام الاول، العدد الثانی، هامبورگ ۱۹۶۳.

پژوهنده می‌بایست به اندازه‌ی نیم یا گاهی بیشتر از يك صفحه را بخواند ؛ ولی آگاهی به ضبط [آیه] چنانچه مراجعه به آیه‌ای باشد آسان تر است ؛ زیرا آیه‌ها ، طبعاً از يك یا دو سطر بیشتر نیستند .

نخستین کسی که فهرستی از کلمات قرآن ، برابر حروف ابجد ، پرداخت و در آن بشماره سوره و شماره آیه در هر آیه‌ای ، اشاره کرد و گوستاو فلوکل G . Flugel بود حتی او قرآنی چاپ کرد که در آن شماره‌ی آیات ، بر هر آیه‌ای نوشته شده بود ، این کار در سال ۱۸۳۸ در شهر لایپزیک ، چهره بست . غریبان بخود قرآن استدلال نمی‌کنند ؛ بلکه طبعاً ، سوره و آیه‌ها برابر شماره گذاری «فلوکل» یاد آور می‌شوند و حتی آن شماره گذاری را در ترجمه‌های قرآن ، به زبانهای خود ، مراعات میکنند .

متأسفانه «فلوکل» شماره گذاری آیات را ، در نزد مسلمانان نمی‌دانست بلکه خود اجتهاد می‌کرد و از اینرو بلغزش و نادرستی فرو افتاد . در همین سالهای اخیر ، مسلمانان ، قرآنی در مصر و دیگر کشورها به چاپ رسانیدند و شماره‌هایی جز شماره‌های «فلوکل» در آن نگاشتند . جدایی و دوگونگی گاهی به شش آیه می‌رسد ؛ از این رو اکنون دانشمندان آوردن دو شماره را ناخوشایند می‌دانند هر چه بوده است ، برتری از آن پیشین تراست و همانگونه که گفتیم ، آن پیشرو يك نفر آلمانی بود .

تاریخ قرآن :

مسلمانان به علوم قرآن همچون : تاریخ فراهم آوری ، گوناگونی شیوه‌های خواندن قرآن و مانند آن ، از روزگاران پیشین ، کوشش نشان دادند در اروپا کسی که بدین کار پرداخت : یکنفر آلمانی به نام «تئودور نولد که The . Noldeke» بود در کتاب «تاریخ قرآن» (چاپ لایپزیک ، ۱۸۶۰) به کوشش شاگرد مسیحی نولدکه : Schwally «شواللی» چاپ دوم این کتاب انجام گرفت که جلد نخست آن را در ۱۹۰۹ و جلد دوم آن را در ۱۹۱۹ منتشر ساخت . دو دانشمند آلمانی دیگر به نامهای برگه اشتراسر Brgstrasser و پریتمل Pretzle ، در ۱۹۳۸ ، جلد سومی بدان افزودند . همه‌ی این کارها در شهر «لایپزیک» انجام یافت . می‌گمان ، این خود ، گسترده‌ترین گنجینه‌ها از دانشمندی‌ها در این زمینه است که هر پژوهشگری بدان رجوع می‌کند ، هر چند همیشه با آن هماهنگ نباشد .

«بنیاد قرآنی» که از میان رفت :

دانشگاه مونیخ - در جنوب آلمان - بنیادی ویژه برای بررسیها و پژوهشهای قرآن ساخته بود . بمبهای آمریکائی ، در جنگ دوم ، بر آمدند و هرکس و هر آنچه را آنجا بود از میان بردند ، ولی شاینده‌ی یادآوری است که شاید خداوند ، کشوری اسلامی را به دوباره سازی چنان بنیادی پیروز گرداند . استاد « برگ اشتراسر » و پس از او استاد « برتیس » زندگی خود را در اداره‌ی آن بنیاد سپری ساختند و دانشگاه و دولت دارایی و هزینه‌ی فراوانی برای ایجاد و گسترش آن پرداخت کردند ، تا آنجا که بزرگترین موزه قرآن در جهان گردید . اینست آنچه انجام دادند :

۱ - مهمترین کتابهای چاپی ، به ویژه تازی در باره‌ی تفسیر و دانشهای قرآن و شیوه‌های خواندن آن گرد آوردند .

۲ - از سراسر جهان ، همه‌ی عکسهای کتابهایی که در این زمینه چاپ نشده بودند ، فراهم آوردند .

۳ - از هزاران دستنویس قرآن از همه‌ی سده‌ها عکسهایی فراهم ساختند و برای این کار راهی گوشه و کنار جهان از خاور تا باختر کشورهای اسلامی و جز اسلامی شدند . از دستنویسهای گذشته هر آنچه یافتند گرچه يك با دو برگ هم بود گرد آوردند . بدینگونه دستنویسهایی از سده‌ی نخست تا روزگار ما فراهم آمد . هدف آنان این بود که همه‌ی آن دستنویسها را با هم بسنجند و چنانچه دو گونگی و جدایی باشد گرد آورند (هیچگونه دو گونگی نیافتند؛ بلکه نادرستیهایی در نگارش دیدند) . با گردآوری این دستنویسهای مصور زیر بنای تاریخ خط عربی و هنر جلدسازی و آراستن قرآن و مانند آن از دانشهای قرآنی فراهم آمد .

۴ - گسترده‌ترین تفسیر قرآن را آغاز کردند . برای هر آیه‌ای برگ جدا گانه‌ای ویژه گرداند و تفسیر آن آیه را از هر مفسری از روزگار صحابه تا روزگار ما ، روی آن پیاده کردند و آنچه بدست آمده بود بر این زمان مفسر : پیشین‌ترین زمان مرتب ساختند . بنا بر این می‌توانستیم دگر گونی و گسترش تفسیر هر واژه و هر آیه‌ای از قرآن را بدانیم . اینکار همینگونه جریان داشت تا اینکه همه‌ی آنچه تکمیل شده بود از میان رفت . اکنون هم یکی می‌تواند این کار را از سر گیرد ؛ بی آنکه به تفسیر عربی بسنده کند . دانشمندان اسلام قرآن را به همه‌ی زبانهای کشوری خودمانند : پارسی ، ترکی ، هندی ، جاوه‌ای و جز آن ترجمه کرده‌اند و نه‌ی توان گفت که غیر عرب چیزی بر

عرب نیفزوده است ! . خوبی کار جهان دانش اینست که بیشتر این اسناد و مدارک دستنویس - گرچه عکسهای آن در « بنیاد مونیخ » از میان رفته است - نگاهداری شده اند و هر کسی دارایی و اشتیاق داشته باشد می تواند آنها را حتی باروتر، نرگشت دهد .

ترجمه های قرآن بزبان های آلمانی :

تاریخ قرآن : بی گمان ، قرآن بیش از هر کتابی در جهان خوانده می شود . هر کس زبان تازی می داند آنرا تلاوت می کند و هم مسلمانانی که زبان تازی نمی دانند ، در دیگر گوشه های جهان ، برای بدست آوردن پاداش نوید داده آنرا می خوانند .

هیچیک از ملت ها را نشان نداریم که در آغاز کار خود ، بدانسان که مسلمانان برای نگهداری اصل کتاب دینی خویش گرایش و کوشش نشان داده اند ، بکوشش برخاسته باشد ؛ تا آنجا که با گذشت سده ها و گروه ها ، بی افزونی و کاستی ، جریان دارد . روشن است که به باور مسلمانان ، قرآن ، گفته ی بشر نیست ؛ بلکه سخن خداوند بزرگ است که با وحی ، بر پیامبر خود « محمد » [ص] فرو فرستاده است . سخن دیگر اینکه قرآن یکباره نازل نگردیده است ؛ که در بیست و سه سال (از ۶۱۰ تا ۶۳۲ .) آیه آیه و کم کم فرو فرستاده شده و در جزیره العرب چهره بسته است و در آنجا چاپخانه و رادیو نبوده است . حتی خواندن و نوشتن از کمیاب ترین چیزها بود . تاریخ نویسان تا کید می کنند که حتی در مکه - زادگاه پیامبر [ص] ، پیش از اسلام جز هفده مرد ، خواندن و نوشتن نمی دانست .

می توان جمعیت مکه را در آن هنگام به ده هزار تن آمار داد . در کنار این سخن باید افزود که خود پیامبر اسلام [ص] درس نخوانده بود و دانش نگارش را ، چنانکه قرآن بر آن گواه است و بروشنی بازگو میکند نیاموخته بود ؛ آنچه پژوهنده را به شکفت می آورد آنست که پیغمبر درس نخوانده و مکتب ندیده از همان آغاز ، به نگهداری آنچه بدو وحی می شد می کوشید پیامبر یکی از کسانی را که بدو و ایمان آورده بود و نوشتن می دانست فرامی خواند تا آنچه را می نویساند بنگارد . دیگران آن نوشته را دستنویس می کردند و بدین گونه میان مردم منتشر می شد . آنگاه که وحی تازه ای می آمد و پیامبر [ص] آنرا برای انشار ، می نویساند و خاستگاه وحی تازه را نیز در فرام شده ی

بخشهای پیشین قرآنی ، روشن می‌ساخت (به ترتیب فروفرستاده شدن فراهم نیامد ؛ بلکه برابر نوشته‌های سوره‌ها بود) این کار همچنان ، تا درگذشت پیامبر ادامه داشت .

این از یکسوی ، از دیگر سوی ، پیامبر امت خود را فرمان داد تا قرآن را ازبر یادگیرند . نماز جز باخواندن [بخشی از] قرآن ازبر درست نیست آنچه باید یادآوری کرد اینست که تنها پیشوا [امام جماعت] بلکه هر نمازگزاری باید بخشی از قرآن را در نماز خود بخواند ؛ به واژگونی یهود [که تنها از تورات می‌خواند] حجم قرآن از تورات (کتابهای پنجگانه حضرت موسی) و چهار انجیل با هم بیشتر است . ازبر کردن و ازبر خواندن ، درست خوانی نوشته را بدنبال می‌آورد و نوشتن و ازبر کردن را .

در کنار این دوزمینه‌ها ، زمینه سومی هم بود آن اینکه پیامبر بر او درود باد به مردم فرمان می‌داد که تنها به نوشته‌ای از قرآن تکیه نکنند ؛ بلکه از آغاز تا پایان آنرا حرف به حرف یا در نزد پیامبر یا پیش کسی که از پیامبر آموخته است فراخوانند . همینگونه در نسلهای واپسین . تا کنون کودکان مسلمان ، قرآن را نزد استادی که دارای سند بود می‌خوانده‌اند و او بدانان هنگامی که خواندن را به پایان می‌رسانند . مدرک و نوشته‌ای می‌داد .

در آن سند نوشته می‌شد که آنچه شاگردش فرا گرفته است از قرآن است ، همانگونه که او [استاد] از استاد خود آموخته است و این استاد از استادان دیگر - و همگی را به نام یاد می‌کرد - تا پیامبر [ص] می‌رسید این روش سه‌گانه ، برای حفظ کردن قرآن ، از زمان پیامبر [ص] تا روزگار ما رعایت می‌شده است .

اکنون هم درجهان سده‌ها از از حافظان قرآن هستند که همه قرآن را ازبر دارند .

تنها در ترکیه که برشمریم به هزار و دوست و پنجاه تن بودند و بیگمان در کشورهای عربی شماره آنان بیشتر است . قرآن در طول زندگی پیامبر ، کم کم فرود آمد و جز در هنگام درگذشت او ، به شیوه‌ی کتاب ، فراهم نیامد از اینرو دستنویس کاملی از روزگار پیامبر در دست نیست . چون تقویم و تاریخ نزد مسلمانان در آن روزگار وجود نداشت نمی‌توان تأکید تاریخ را پیرامون پیشین‌ترین دستنویس نا کامل نشان داد . شاید دستنویسی که برخی از سوره‌های کوچک را در بر دارد و اکنون در استانبول ما دره توپ‌قاپی سرای ، وجود

دارد از روزگار پیامبر است .

در پایان این دستنویس آمده است : « آنرا نویسنده‌ی وحی عثمان بن عفان نوشته است » . در همان کتابخانه برخی از برگهای قرآن یافت میشود که به «عثمان» پیوند داده‌اند و بر برگی بسیار کار برد شده نوشته شده است و آنچه نخست نوشته شده بوده است پاک‌گردیده است و دوباره روی آن نوشته‌اند . در آنجا برگهایی دیگر یا پاره‌های کوتاهی هم یافت می‌شود که به سرورما و علی [ع] پیوند داده شده است . دستنویسی دیگر بخط « خدیج‌بن‌معمون بن سالمه بن سالمه بن انصاری » ، به تاریخ ۴۸ هـ . ق . و به خط « عقبه بن عامر » ، بتاریخ ۵۲ هـ . ق . وجود دارد . در موزه آثار اسلامی استانبول برگگی هست به خط « عمر » و در کتابخانه‌ی « اندیا اوفیس » در ولوندرام ۶۴ برگه به خط سرورمان علی هست که مهرهای پادشاهان مغول بر آن دیده می‌شود . در تاشکند هم دستنویسی هست که به « عثمان » پیوند داده شده است و عکسهای آن را دولت روسیه تزاری ، پیش از انقلاب کمونیستی . انتشار داده است .

هنر زیبا و قرآن :

قرآن انگیزه‌ای بود در تولد چند هنر زیبا و مانند خواندن قرآن با تجوید - که موسیقی دینی اسلام است - ولی تنها شنیدنی است نه خواندنی و دیدنی . بجز آن ، نگارش قرآن ، خط عربی را بوجود آورد و هم رنگ آمیزی قرآن ، آرایش و جلد سازی و مانند آنرا که از هنرهای زیبای برجسته اسلامی است . این گفتار را با گوشه‌ای از بهره‌ی آلمان در آن که فراوان است پایان می‌دهیم :

ترجمه‌های قرآن :

گوناگونی زبانها ، در میان ملتها ، بدان اندازه است که برخی از ملتها دیگری را نمی‌فهمند چون مزدهی قرآن همگان را برمی‌گیرد ، ترجمه‌ی آن بزبانهای گوناگون برای دانستن و بکار بردن آن لازم است (در اینجا پرسش خواندن ترجمه در نماز در بین نیست) . پیشین ترجمه آن است که به یکی از یاران پیامبر پیوند یافته است . فقیه بزرگ شمس‌الامنه سرخسی (در مبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۳۷) چنین آورده است : « و ابوحنیفه - خدای او را بیامرزد . به این بازگویی استدلال کرده است که ایرانیان به سلمان خدای

از او خشنود گردد - نوشتند که سوره‌ی فاتحه را برای آنان پیاری بنویسد که آنرا در نماز بخوانند تا زبانشان بمری بازگردد ، شادروان «فریدوجدی» . (در کتاب درباره دلایل علمی برروا بودن ترجمه‌ی قرآن به زبانهای بیگانه ، ص ۵۸) تأکید کرده است که «سلمان فارسی» به اجازه و دستور پیامبر چنین کرد (فریدوجدی به «البدایة والنهایة» ابن کثیر مراجعه داده است . کاش میدانستم این کتاب از کیست ؟ در کتاب «البدایة و النهایة» ابن کثیر چنین سخنی نیافتم) . «بزرگ‌ترین شهریار» (در «عجایب الهند» ، ص ۲-۳) یاد آور شده است که دانشمندان هند قرآن را برای تبلیغ دین ، کمی پیش از ۲۷۰ هـ ترجمه کردند و شاید به زبان سندی یا «ملتانى» بود . «جاحظ» در کتاب «البيان و التبيين» (ج ۱ ر ص ۱۳۹) آورده است که «موسی بن سیار اسواری» مرده به سال ۱۵۵ هـ) تفسیر قرآن را به پارسی درس می‌داد .

ترجمه قرآنی که بدست دانشمندان ماوراءالنهر ، (به سال ۳۴۵ هـ .) برای «شاه منصور نوح سامانی» انجام گرفته است و باین ترجمه کوتاه شده‌ای از تفسیر طبری مرده بسال ۳۰۰ هـ .: افزوده شده است ، به ما رسیده است بدینگونه قرآن ترجمه شد و فشرده‌ای از آن به سه زبان پارسی ، ترکی خاوری و ترکی باختر در آمد .

همه‌ی این متنها به ما رسیده است و سپاس خداوند را که دستنویسهایی در دسترس مسلمانان است . در میان نامسلمانان ، شاید نخستین آنان سریانیان بودند . کتابی جدلی بما رسیده است که در آن ترجمه‌ی آیات قرآن ، بزبان سریانی است و بربرگی نوشته شده است و در کتابخانه‌ی منچستر موجود است استاد «منگانا A. Mingana» تأکید کرده است که از آن «بارصلیبی» ، معاصر حجاج بن یوسف یعنی در یک سوم سده‌ی نخست هجری ، می‌باشد ؛ آنگاه اروپائیان ، در اسپانیا ، بدان گرایش پیدا کردند و «روبرتوس کیتینسیس» انگلیسی آن را در ۱۱۴۱-۱۱۴۳ یا ۵۳۶-۵۳۸ هـ . به لاتین ترجمه کرد سپس همواره مسلمانان و نامسلمانان آنرا بدیگر زبانهای جهان ترجمه کرده‌اند . من در ۱۳۶۴ (۱۹۴۵ هـ .) کتابی به نام «قرآن به هر زبان» منتشر

ساختم که دو مسأله را در برداشت : فهرست ترجمه‌های قرآن به هر زبانی که آگاه شدم ، خواه کامل و خواه جزئی ، و نیز نمونه‌هایی از سوره‌ی فاتحه در همه‌ی این زبانها ، آنگاه آن را دوباره در ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ ه . دوباره چاپ رساندم . در نخستین چاپ به ترجمه‌هایی در ۲۳ زبان آگاه شدم و در دومین چاپ به ۴۳ و در سومین به ۶۷ زبان از زبانهای دنیا .

اگر چهارمین چاپ برایم فراهم آید ، ترجمه‌ی قرآن بیش از ۱۰۰ زبان نزد من هست . ترجمه‌های ترکی به خط «اوینغوری» ، عربی و لاتینی وجود دارد . ترکهای روسیه زبان خود را به خط روسی می‌نویسند ؛ ولی گمان نمی‌کنم بتوانند ، در شهرهای کمونیستی ، قرآن را ترجمه کنند . در دیگر زبانهای اروپایی ، ترجمه‌هایی بخط عربی در زبان دهستانی ، (که آن را خمیادو می‌نامند) ، لیتوانی و یوگسلاوی ، تا آنجا که من می‌دانم ، هست . من افتخار ترجمه‌ی قرآن را در ۱۹۵۹ ، بزبان فرانسه ، پیدا کردم ولی چاپ نخست آن در دو هفته نایاب شد (بیش از ۱۲ هزار جلد) ، چاپ دوم در همان سال (۱۵ هزار نسخه) و در کمتر از یکسال نایاب شد . به هنگام نگارش این گفتار ، سومین چاپ را آماده دیدم . در این ترجمه دیباچه‌ای پیرامون تاریخ فراهم آمدن قرآن و نگهداری آن ، سده به سده و فهرست ترجمه‌های قرآن ، به زبانهای اروپائی ، گنجانده شده است . در اینجا فشرده‌ای از آنرا در جدول زیرین می‌آوریم :

- | | |
|----|---|
| ۱ | ۱ - آراگونی [منطقه‌ای در اسپانیا] |
| ۶ | ۲ - سوگدی |
| ۲ | ۳ - آفریکانی (لهجه‌ای ولندیزی) به خط عربی |
| ۴ | به خط لاتینی |
| ۲ | ۴ - آلبانی |
| ۳۵ | ۵ - خمیادو (یا اسپانیایی به خط عربی) |
| ۴۲ | ۶ - آلمانی |
| ۵۷ | ۷ - انگلیسی |

- ۱ - اوکراتی ۸
- ۱ - اسپراتتو ۹
- ۴ - پرتغالی ۱۰
- ۲ - بلغاری ۱۱
- ۲ - بوشناق (یوگسلاوی) به خط عربی ۱۲
- ۲ بخت روسی
- ۹ لاتینی
- ۱ - بولونی ۱۳ به خط عربی
- ۷ لاتینی
- ۳ - بوهیمی ۱۴ (از چکسلواکی)
- ۲۳ - ترکی ۱۵ به خط لاتینی
- ۳ « اوینوری قدیم (قطعه‌ها) »
- « عربی (در فهرست دکتر
- ۶۰ فاحدیشار اوغلو)
- ۳ - دانمارکی ۱۶
- ۳ - روسی ۱۷
- ۱۱ - رومانی ۱۸
- ۱ - ایتالیایی ۱۹
- ۱۱ - فرانسوی ۲۰
- ۳۳ - فنلاندی ۲۱
- ۱ - لاتینی ۲۲
- ۴۲ - مجارستانی (هنگری) ۲۳
- ۶ - نروژی ۲۴
- ۷ - ولندیزی ۲۵
- ۲ - اسپانیایی ۲۶ به خط لاتینی
- ۱۸ - یونانی ۲۷
- ۳